



## ملاحظه‌ای در باب آموزش زبان فارسی در هند

دکتر غلامعلی حدادعادل

دربارهٔ سابقهٔ «زبان فارسی در هند» سخن بسیار گفته‌اند، چندان که ورود در آن بحث در این مقاله ضرورتی ندارد، به‌ویژه از آن جهت که مقاله برای مجلهٔ شبه‌قاره نوشته می‌شود که خوانندگان آن عموماً کسانی هستند که با این موضوع آشنایی کافی دارند. آنچه مورد نظر «آموزش» این زبان است که امروزه در شماری از دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی وابسته به دانشگاه‌ها، که در هند به آنها «کالج» گفته می‌شود و نیز در بعضی از مدارس طلاب علوم دینی مسلمان آن کشور و کلاس‌های آزاد آموزش زبان فارسی تدریس می‌شود. هرچند زبان فارسی با حاکمیت استعمار انگلیس بر شبه‌قارهٔ هند جایگاه و پایگاه خود را در آن سرزمین از دست داد اما نیاز شبه‌قاره به زبان فارسی به کلی از بین نرفت. دست‌کم یک دلیل عمده برای تداوم آموزش زبان فارسی شبه‌قاره و خصوصاً هند وجود داشت و آن نیاز به آگاهی از تاریخ و فرهنگ و تمدن هند در دوران چند صد ساله‌ای بود که این زبان در آن دوران زبان فرهنگی و زبان رسمی دربارها و حکومت‌ها محسوب می‌شد.

امروزه دولت هند با درک اهمیت و ضرورت توجه به زبان فارسی از تدریس این زبان در دانشگاه‌های آن کشور حمایت می‌کند و چراغ زبان فارسی را در هند روشن می‌دارد.

شمار بسیاری از کتاب‌های گذشتهٔ هند، به دست نویسندگان مسلمان یا هندو به زبان فارسی نگاشته شده و میلیونها سند موجود در مراکز اسناد و کتابخانه‌های هند به زبان فارسی است. علاوه بر این کتیبه‌های بسیاری از بناهای تاریخی این کشور نیز به همین زبان است. این همه ایجاد می‌کند که هند امروز هیچ‌گاه رابطهٔ خود را با زبان فارسی قطع نکند، زیرا قطع رابطه با زبان فارسی به معنی قطع رابطه با بخشی از تاریخ هند است.

آنچه مهم است و محل بحث و سخن ماست این است که برنامهٔ درسی و سرفصل کتاب‌های درسی رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی در هند امروز چگونه باید باشد؟ آیا باید به همان شیوهٔ پانصد سال یا دویست سال و حتی صد سال پیش عمل شود یا این برنامه‌ها و محتواها باید به نحوی متحول و نوسازی شود؟ شک نیست که هر جا رشتهٔ زبان فارسی وجود دارد باید ادبیات کهن فارسی در برنامهٔ درسی این رشته جایگاه مهمی داشته باشد، اما ضرورت دارد به زبان و ادبیات فارسی امروز و تحولی که مخصوصاً در این زبان در یکصد سال اخیر در ایران صورت گرفته نیز توجه شود. آشنایی با کلیله و دمنه و تاریخ بیهقی و گلستان و بوستان سعدی و دیوان حافظ و اشعار صائب و بیدل، البته ضرورت دارد اما آشنایی با زبان شعر و نثری که در یک قرن اخیر در ایران پدید آمده نیز لازم است، زیرا دلایل نیاز هند به آموزش زبان فارسی تنها در ضرورت آشنایی با تاریخ گذشتهٔ هند منحصر نمی‌شود، بلکه این زبان باید به صورتی تدریس شود که نیاز مردم امروز و جامعهٔ امروز را نیز برآورده سازد.

در حال حاضر سالانه در ایران در حدود یکصد هزار کتاب به زبان فارسی چاپ و منتشر می‌شود. آیا با قطع نظر از سابقهٔ زبان فارسی در هند، می‌توان گفت که دو کشور بزرگ و کهن قارهٔ آسیا، یعنی هند و ایران، با سابقهٔ درخشان و پر جنب و جوش روابط فرهنگی چند هزار ساله، امروز، دیگر نیازی به تبادل فرهنگی و آگاهی از تولیدات و تألیفات ادبی و فرهنگی یکدیگر ندارند؟

روابط دو کشور ایران و هند در چهل سال گذشته گسترش یافته و این گسترش روزافزون است. هند و ایران همکاری‌های اقتصادی مهمی با یکدیگر دارند و تسلط هندیان بر زبان فارسی امروز قطعاً این همکاری‌ها را تسهیل و تسریع می‌کند. علاوه بر این، ایران اسلامی با هند دیروز و امروز وجه اشتراک معنوی مهمی دارد که در دینی بودن روح و جوهر فرهنگ و تمدن هر دو کشور متجلی و ظاهر می‌شود.

ارتباط هند و ایران در روزگار ما، تنها در روابط سیاسی و اقتصادی خلاصه و محدود نمی‌شود، بلکه متفکران و فرهیختگان دو کشور از آن جهت که در جهان‌بینی معنوی با یکدیگر شباهت و اشتراک دارند می‌توانند با یکدیگر هم‌سخنی و گفت و گو داشته باشند. این عوامل و عوامل دیگر، ایجاب می‌کند که برنامه‌درسی و سرفصل‌های کتاب‌های آموزش زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه‌های هند تحول پیدا کند و در کنار ادبیات کهن فارسی، سهم مناسبی نیز به زبان فارسی و ادبیات فارسی امروز داده شود. البته در دهه‌های اخیر تغییر و تحولی در برنامه‌بعضی دانشگاه‌ها صورت گرفته اما کافی نیست.

در تحولی که انتظار می‌رود صورت گیرد باید مخصوصاً دو وجه نظر مورد توجه باشد. یکی تحول در برنامه و محتواها به نحوی که فارسی‌آموزان شبه‌قاره علاوه بر توانایی استفاده از متون کهن، توانایی بهره‌مندی از آثار نویسندگان امروز ایران را نیز داشته باشند و دیگر، تحولی است که می‌باید از حیث روش آموزش زبان فارسی پدید آید. امروزه مسلم شده است که آموزش هر زبانی به کسانی که زبان مادری دیگری دارند روش خاصی دارد که با روش آموزش زبان به هم‌زبانان متفاوت است. رشد رشته آموزش زبان به‌عنوان زبان دوم در جهان و به تبع آن در ایران، سبب ظهور روش‌ها و کتاب‌های تازه‌ای شده است که می‌تواند آموزش زبان فارسی را در هند سریعتر و کارآمدتر سازد.

فرهنگستان زبان و ادب فارسی جمهوری اسلامی ایران و بنیاد سعدی در ایران و رایزنی فرهنگی و مرکز تحقیقات فارسی ایران در هند می‌توانند در این تحول با دانشگاه‌های هند همکاری مفید و مؤثری داشته باشند. چنانچه این نوسازی در برنامه و محتوا و روش به‌صورت مطلوب پیش رود، فارسی‌آموزان هند می‌توانند علاوه بر درک آثار پیشینیان، آثار شاعران و ادیبان و نویسندگان امروز ایران را نیز بخوانند و درک کنند و زبان گفت‌وگویی مردم ایران امروز را نیز دریابند و به آن زبان با آنان سخن بگویند.



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی